

مراسم رونمایی از کتاب «آذرخش و رقص فانتوم‌ها» نوشته صادق وفايي همزمان با هفته دفاع مقدس در حوزه هنری برگزار می‌شود. این کتاب شامل خاطرات آزاده خلیان حسینیعلی ذوالفقاری است. این کتاب پس از «بیگانه با ترس» و «شیخ دوست‌داشتنی»، سومین کتابی است که صادق وفايي درباره خلیانان نیروی هوایی به‌ویژه خلیانان شکاری بمب‌افکن فانتوم F4 نوشته است. حسینیعلی ذوالفقاری متولد ۱۳۲۰ است

## «آذرخش و رقص فانتوم‌ها» رونمایی می‌شود



**هاشمی**، نه، همه در مجموع از جایی خط نگرفته بودیم، آنها مربوط به ارشاد بودند، ما مربوط به حوزه هنری بودیم.

**فرحبخش**: آنها انوار و بهشتی بودند.

**هاشمی**: آنها جماعتی بودند که در حسینیة ارشاد کارهایی انجام داده بودند و قبل از آن هم تلویزیون حضور داشتند، اما همه کسانی که در حوزه فعالیت می‌کردند این طور نبودند، به عنوان مثال، مرحوم سلحشور در مسجد محل مابوذر، خیابان هاشمی و مسجد حضرت جواد(ع) تئاتر اجرا می‌کرد. بارها اتفاق افتاده بود که آمدند صحنه را جمع و بعضی‌ها را دستگیر کردند. درواقع تمام سوانح مسجدی بود و به همین دلیل حوزه هنری چپه‌های مسجد و شعر مسجد داشت و اکثر کاست‌هایی که ارائه می‌داد، ارزشی بود و با نگاه وزارت ارشاد یک تفاوت اساسی داشت.

راحت بگویم آنهایی که در وزارت ارشاد سر کار آمدند، در حالی فشار وارد کردند که خودشان هیچ اعتقادی به آن نداشتند، با این‌که اعتقاد نداشتند در ساختار خانواده خودشان نبود، حتی به تست گریم افراد هم نگاه می‌کردند.

به عنوان مثال، فردی عکس تست گریم را برده بود که مرد، زن را گریم کرده و همان موقع هر دو طرف را ممنوع‌الکار کردند. **عبدالعلی‌زاده**: **سؤال من این بود که چرا به عنوان کسی که در حوزه کار می‌کرد، حلالیت طلبیدید؟ وگرنه ممنوع‌الکاری در ارشاد را همان جریانی که گفتید به وجود آوردند.**

**هاشمی**: اعتراض ما باعث پایین‌کشیده شدن فیلم (برخی‌ها) از پرده سینما و آسیب جدی به همه هنرپیشه‌ها شد و به همین دلیل حالات طلبیدیم، هر چند اگر ما هم مانع نمی‌شدیم، از این طرف در ارشاد هم اجازه کار نمی‌دادند و معلوم بود این جماعت حاضر نیستند قهرمان ملی سینما را نشان دهند، به عنوان مثال، آقای فردین، قهرمان ملی محسوب می‌شد و هیچ‌کس نمی‌توانست بگوید او مبتذل است. از آقای فخیمرزاده شنیدم حسین گیل سرتمام پروژه‌هایی که حضورداشت، نمازش را می‌خواند.

به عبارتی، ما افراد معتقد داشتیم، اما احترام لازم را به آنها نمی‌گذاشتند و ما

باعث این اتفاق شدیم، چند روز پیش فیلم «حاجی واشنگتن» را دیدیم و یادم می‌آید که خیلی برای این فیلم در سینمای عصر جدید سروصدا راه‌انداختیم.

حاجی واشنگتن دیالوگ معروفی دارد که بسیار زیبا بود، اما با شنیدن آن به ما

برمی‌خورد و فکر می‌کردیم دوباره شاه‌پرستی را رواج دادند و به همین دلیل

که پس از ورود به نیروی هوایی، برای آموزش به آمریکا اعزام شد و پس از بازگشت به ایران، هواییمای فانتوم را برای پرواز انتخاب کرد. ذوالفقاری یکی از خلیانان پایگاه سوم شکاری همدان بود که در دوران خدمت خود با خلیانان و اسطوره‌هایی چون قاسم پورگلچین، محمود اسکندری، داریوش ندیمی،... فرج...، براتپور، جلیل پوررضایی و... همراه و هم‌نفس بوده است. او از چهره‌هایی چون شهید مصطفی چمران، شهید احمد کشوری و ابوالحسن

سروصدا راه‌انداختیم و البته کنکش را هم خوردیم، این واکنش مربوط به آن دوره بود.

**عبدالعلی‌زاده**: **یعنی شما به جریان ناآگاهی اشاره می‌کنید که بعدها آگاهی به‌دست‌آورد و اصلاح شد؟**

**هاشمی**: بله، کاملاً. این جریان همان جا اصلاح شد. بعد از «دو چشم بی‌سو» و «توبه نصوح» در طول این یکی دو سال، رفته‌یم فیلم «پاکوت» را ساختیم. **عبدالعلی‌زاده**: **اما موضوع ما، جریانی است که خیز گرفته و با آگاهی آن را پیش برده است. این جریان مسلط گسترده عمل می‌کند. سال‌ها مانع شکل‌گیری زیرساخت‌ها می‌شود، ولی مثلاً از لحاظ صنفی وقتی مجبور می‌شود شکل‌گیری صنف را قبول کند به گونه‌ای آجر این صنف را می‌چیند که تا تریاکج برود.**

**هاشمی**: تا قبل از سال ۷۶ این جریان باعث ایجاد جریان‌های ضدصنفی شده بود و تا سال ۷۲ اینها را به رسمیت نمی‌شناختند و بعدها تبدیل به اتحادیه و مجمع تولید و توزیع‌کنندگان سینمای ایران شد. اینها حاضر به نامه‌نگاری نبودند و غیررسمی ما را می‌پذیرفتند، تا زمانی که بوی الرحمان این آقایان (مستولان ارشاد وقت) بلند شد، بعد از سال ۷۰، این آقایان وقتی فهمیدند در حال رفتن هستند، اجازه دادند برنامه‌ریزی ارکان را بچینیم، درواقع، ما این اختیارات را بر برگزای جلسات متعدد به زور گرفتیم، زمانی که این جریان می‌خواستند خارج شوند داخل سیستم جریانات صنفی واداری که از سال ۶۲ در بنیاد فارابی ایجاد شد، رفتند. پس از آن ساختاری ایجاد کردند که همان مجموعه تولید فیلم‌های گلخانه‌ای بود؛ یعنی با مبنای تولید فیلم روسیه کار می‌کردند، در آن زمان امکان نظارت بیشتری وجود داشت، چون نگاتیو، دوربین فیلمبرداری و لاپراتوار به مجوز نیاز داشت و همه دست دولت بود و هیچ‌کس بدون آنها نمی‌توانست فیلم بسازد. حتی اگر نگاتیو قاچاق می‌وارد می‌شد، باید دوربین پیدا می‌کردند و اگر پیدا می‌کردند هم نمی‌توانستند به این راحتی داخل لاپراتوار ببرند.

**عبدالعلی‌زاده**: **آن زمان طوری چیده شد که حتی در جهت تخریب جریان انقلابی بود، یعنی ملاقی‌پور فیلمی ساخت (نجات یافتگان) که درجه «د» گرفت و ارکان شد و تفکر متعلق به جریان انقلاب را به‌طور کامل نابود کردند، اما چون شما متعلق به آغاز انقلاب بودید، اشاره به شوروی آیا به این جهت بود که آنها فعالان پنهان حزب توده بودند یا حزب زحمتکشان؟... چون این تفکر وجود داشت که حزب زحمتکشان به عنوان بدل خود توده بعد از انقلاب توانست در حوزه فرهنگ فعالیت کند.**

**فرحبخش**: خیر، باشگاه فارابی که به آن اشاره شد، مربوط به قبل از انقلاب بود. اینها در سال ۶۲ کار خود را شروع کردند و متوجه شدند دو سال اول

حریف نمی‌شوند.

**عبدالعلی‌زاده**: **یعنی بعد از کلهر که به‌درستی در حال سامان دادن بود...**

**فرحبخش**: بله، در کل سینما در حال رفتن به سمت برخی‌ها و دیگر فیلم‌ها بود.

اگر کلهر مانده بود، سینمای امروز ما چیز دیگری بود؛ یعنی سینمایی

با ۲۰۰۰ سالان داشتیم و به جای ۱۲۰۰ میلیارد، ۵۰۰۰ میلیارد فروش داشتیم. مثلاً درجه‌بندی فیلم‌ها «الف»، «ب»، «ج» و «د» که غیرقانونی بود، درست کرد. لیبت درجه الف به عنوان مثال، ۱۲ اتومان با پنج هفته نمایش بود. لیبت درجه ب ارزان‌تر بود. برای درجه «ج» بیشتر از سه‌بار نمی‌توانستیم آگهی تلویزیونی بدهیم و اگر حتی بعد از سه هفته قانون مصوب نمایش برای این درجه-رزی ۱۰۰ میلیون تومان هم می‌فروخت، فیلم باید از روی پرده پایین می‌آمد. برای درجه «د» امکان نمایش در ۱۴ مرکز استان وجود نداشت، البته ما بلد بودیم چطور این قانون را دور بزنیم و مثل درجه الف فیلم را ارکان کنیم، به دلیل این‌که کارشان خلاف شرع بود، ما این کار را به‌طور متقابل انجام می‌دادیم، مبارزه آقایان انوار و بهشتی قبل از انقلاب این بود که بروند در حسینیة ارشاد بنشینند و به صحبت‌های شرعیتی گوش دهند، بعد از انقلاب، سال ۶۶ آقایان انوار، بهشتی و حیدریان به شکل قانونی خانه سینما را به عنوان مؤسس ثبت کردند. اینها از سال ۶۵ دنبال آقای فخیمرزاده بودند؛ چون اهل صنف بود. سال ۶۶ به فیلم «مسافران مهتاب» درجه‌بندی «د» دادند و او هم اعتراض کرد. پس از آن، فخیمرزاده چند نفر را آورد و بعد هم ما چند نفر آوردیم و نامش را هیأت مؤسس گذاشتیم، چون اگر نامش را اتحادیه می‌گذاشتیم، آنها انوار و بهشتی) موضع می‌گرفتند. اتفاقاً انوار و بهشتی) مذهبی بودند، اما دیدگاه‌هاشان نزدیک به جمهوری اسلامی کمونیستی ایران بود. آن آقایان برنامه‌ریزی کردند و پس از آن سفند ۶۶ خرداد ۶۷ هیأت مؤسس را تشکیل دادیم و ما را نمی‌پذیرفتند. درست سال ۷۱ بود که آن آقایان می‌خواستند بروند خانه سینمایی را که بالقو، خواهبود بود، برای اهداف بعدی به طریقت بافعل تبدیل کنند اما هنوز درگیرند؛ یعنی هنوز ما درگیر افراد جریان‌های دهه ۶۰

بنی‌صدر نیز خاطراتی دارد. ذوالفقاری بازگشت از دوران اسارت، در قامت خلیان مسافرنبری به خدمت پرداخت و چندسال پیش بازنشسته شد. خاطرات امیر آزاده خلیان ذوالفقاری در آذرخش و رقص فانتوم‌ها در ۹ فصل تدوین شده مراسم رونمایی از این کتاب با حضور نویسنده، راوی کتاب و خلیانان نیروی هوایی در دوران دفاع مقدس امروز از ساعت ۱۵ تا تالار مهر حوزه هنری برگزار می‌شود.



در خانه سینما هستیم که آن راه‌رانی‌کنند. تا زمانی که افراد وابسته به دهه ۶۰ از این سینماکنار نروند، امکان ندارد خانه سینما شکل بگیرد و به تکلیف اصلی‌اش عمل کند.

**عبدالعلی‌زاده**: **این همان جریانی است که در پیکره ارشاد هنوز وجود دارد.**

**فرحبخش**: بله، این پیکره سر سفره خاتمی، میرسلیم، مهاجرانی و صفارهرندی نشست و تنها سفره‌ای که نتوانست سر آن بنشیند، چون آنها را می‌شناخت، شمشدری بود. شمشدری آنها را بیرون کرد. همین جماعت سر سفره دولت روحانی که آقای ایوبی بودند، نشستند. آقای ایوبی چهار یا پنج ماه ماند به رفتن، تک‌تک اسم برد و گفت همه اینها به سینما خیانت کرده‌اند.

**عبدالعلی‌زاده**: **بخشی از پاسخ‌ها به سوالات امروز ما در رابطه با فقدان**

**قانون به ناکامی تلاش‌های موثر دوره مدیریت سیفا... داد برای تنظیم قانون سینمایر می‌گردد و بالاخره قرار بود که سینما ساختاری پیدا کند و یحیث قوانین تخصصی سینما مطرح شد.**

**فرحبخش**: درست است که حضور سیفا... داد با همین گروه‌های دهه ۶۰ بود، اما وقتی آمد متوجه این ما جارش‌د و نگاه متفاوتی داشت. سیفا... داد به یکباره «کالی مانگا» ساخت که به آن درجه «الف» دادند. کم‌الین‌که اگر کالی مانگا را ابراج قادری می‌ساخت، به آن درجه کیفی «ج» می‌دادند.

**عبدالعلی‌زاده**: **بله، وقتی به روند کاری سیفا... داد، نگاه می‌کنیم، به نظر نمی‌آید درون این بدنه باشد.**

**فرحبخش**: نه، اصلاً داخل این بدنه تعریف نمی‌شود، او از سال ۶۱ در تلویزیون بود. اولین بار سیفا... داد و بهشتی را سر سرپال «اشک تمساح» دیدیم و زمانی که وارد ارشاد شد، مشخص بود به‌رغم این‌که با قبلی‌ها نشست و برخاست دارد، یک دیدگاه تکنوکرات (فن سالارانه) دارد، به‌نظرم سینمای ایران بهترین فیلم‌های خود را در چهار سال حضور سیفا... داد و دو سال اول حضور شمشدری ساختند. برای فیلمسازان آن زمان احساس امنیت، اهمیت داشت و بیشتر فیلمسازان در زمان سیفا... داد احساس امنیت کردند. به عنوان مثال، اگر احساس امنیت نداشتیم در «آواز قو» سرمایه‌گذاری نمی‌کردم. این فیلم ۲۰ سال جلوتر از زمان ساخت خوداست و اگر همان زمان مسئولان امنیتی و سیاسی این فیلم را می‌دیدند، الان دیدگاه‌شان فرهنگی بود.

**هاشمی**: سیفا... داد پیش از هر چیز، کار صنفی انجام داد.

**فرحبخش**: الان شرح می‌دهم که چه شد سیفا... داد استاد سفردا... اولین کاری که سیفا... داد انجام داد این بود که گفت موضوع ارکان به ما ربطی ندارد و بعد از آن شورایی ۱۱ نفر درست کرد به تمام صنف سینمایی گفت اعضای خود را به شورا معرفی کنند و این همان شورای صنفی نمایش شد. این افراد تصمیم می‌گرفتند که فیلم‌ها چگونه ارکان شود. پنج یا شش ماه به پایان دوره کاری سیفا... داد مانده بود که او استعفا داد، چون شورای صنفی طبق روال تصویب کرد فیلم «چپه‌های بد» علیه‌ضاداووندزاد در سینما فرهنگ ارکان شود، اما به یکباره خبر دادند که به جای این فیلم باید «مریم مقدس» ارکان شود و سیفا... داد گفت اجازه این کار را نمی‌دهم. آقای مسجدجامعی هرچه تلاش کرد، سیفا... داد برگشت و گفت من با مردم قرار گذاشتم و این کار را نمی‌کنم. یادم می‌آید ساعت ۱۰ شب از جمرکان به خانه برگشتم و سیفا... از دفترش به من رنگ زد، فیلم‌ها را در آن زمان سه‌شنبه‌های دیدند. سیفا... گفت تو آبروی چهارسال مدیریت مرا خریدی. رفقای من که مرا تشویق کردند اینجا بیاییم، چون به آنها پول ندادم، به من پشت پا زدند، اما تو یای من ایستادی. در واقع، او فردی بود که به‌طور مستقیم به من گفت به‌توظلم کردم و نمونه چنین انسانی خیلی کم است. دومی این بود که سیفا... داد می‌گفت شب‌ها راه می‌روم و استغفار می‌کنم که چرا تحت تأثیر کانون کارگردانان به فیلم «دایره» جعفر پناهی مجوز دادم.

**هاشمی**: سیفا... داد جزو پاک‌ترین و معتقدترین سینماگران به‌رجه تلاش کرد، سیفا... داد برگشت و گفت من با مردم قرار گذاشتم و این کار را نمی‌کنم. یادم می‌آید ساعت ۱۰ شب از جمرکان به خانه برگشتم و سیفا... از دفترش به من رنگ زد، فیلم‌ها را در آن زمان سه‌شنبه‌های دیدند. سیفا... گفت تو آبروی چهارسال مدیریت مرا خریدی. رفقای من که مرا تشویق کردند اینجا بیاییم، چون به آنها پول ندادم، به من پشت پا زدند، اما تو یای من ایستادی. در واقع، او فردی بود که به‌طور مستقیم به من گفت به‌توظلم کردم و نمونه چنین انسانی خیلی کم است. دومی این بود که سیفا... داد می‌گفت شب‌ها راه می‌روم و استغفار می‌کنم که چرا تحت تأثیر کانون کارگردانان به فیلم «دایره» جعفر پناهی مجوز دادم.

**هاشمی**: سیفا... داد جزو پاک‌ترین و معتقدترین سینماگران به‌رجه تلاش کرد، سیفا... داد برگشت و گفت من با مردم قرار گذاشتم و این کار را نمی‌کنم. یادم می‌آید ساعت ۱۰ شب از جمرکان به خانه برگشتم و سیفا... از دفترش به من رنگ زد، فیلم‌ها را در آن زمان سه‌شنبه‌های دیدند. سیفا... گفت تو آبروی چهارسال مدیریت مرا خریدی. رفقای من که مرا تشویق کردند اینجا بیاییم، چون به آنها پول ندادم، به من پشت پا زدند، اما تو یای من ایستادی. در واقع، او فردی بود که به‌طور مستقیم به من گفت به‌توظلم کردم و نمونه چنین انسانی خیلی کم است. دومی این بود که سیفا... داد می‌گفت شب‌ها راه می‌روم و استغفار می‌کنم که چرا تحت تأثیر کانون کارگردانان به فیلم «دایره» جعفر پناهی مجوز دادم.

**عبدالعلی‌زاده**: **متأسفانه آن جریان مویرگی بر سینما مسلط شده بود، چون هیچ کدام از کارهایی که انجام می‌دادند را تعطیل نکردند. به عنوان مثال، فیلم دایره جعفر پناهی اگر ارکان می‌شد، پرونده کارگردانش بسته می‌شد و ارکان نشدن این فیلم به حیات این نوع سینما- سینمای ضد ایرانی- کمک کرد.**

**فرحبخش**: یکی از خیانت‌هایی که در دهه ۶۰ انجام دادند، همان سینمای گلخانه‌ای جشنواره‌ای بود؛ یعنی برای آنها اهمیت نداشت. اما سینمای جشنواره‌ای را که جانداختند، اشتباه بود. در واقع تمام بدبختی و بیبچاگی‌ها را در سینما به مردم جهان نشان دادیم و مردم دنیا تصور می‌کنند ایرانی‌ها

## فرهنگی

دوشنبه ۲ مهر ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۸۶۲

افراد ی غیرمتمدن و آشنا با جامعه شهری هستند.

**عبدالعلی‌زاده**: **همین خط فکری ادامه پیدا کرد؟ این جریان در حالی تکامل یافته‌تر شد که جریان رسمی در غفلت و پسرقت بود.**

**فرحبخش**: زمان سیفا... داد ما تا این اندازه جشنواره خارجی نداشتیم؛ چون هنرمندان به‌واعتماد کردند و او در مقابل اجازه داد آنها کارشان را انجام دهند. بعد از سیفا... داد سمت معاونت وزیر را به فردی غیرمتخصص واگذار کردند که با آمدن این فرد امنیت دوباره رفت.

**عبدالعلی‌زاده**: **حتی واگذار کردن مسئولیت به فرد ناآگاه هم یک رویداد جرائنی است؛ یعنی برای این‌که بتوانند افراد را مدیریت کنند، طوری تصمیم‌سازی می‌کنند تا مدیر غیرمتخصص و نابلد بر کرسی بنشیند. نباید تعجب کنیم که به غیرمتخصصان مسئولیت واگذار شود.**

**فرحبخش**: بله، بعد از سپردن مسئولیت به فرد غیرمتخصص سینما دوباره با همین آقایان حلقه خانه سینما و رفقای که از فارابی آوردند به فیلمسازان و سرمایه‌گذاران خیانت کردند و ارکان را به خانه سینما بردند. نمی‌دانم خانه سینما به ارکان چه کار دارد؟... همین نگاه تا دولت آقای روحانی ادامه پیدا کرد.

**عبدالعلی‌زاده**: **در این میان بدنیتست بگویم از چه مسائلی غفلت شد.**

**به عنوان مثال، در بحث ارکان بسیاری از گونه‌های پر فروش نابود شدند و ارکان سینمای کودک و نوجوان که گروهی مستقل داشت، نابود شد. همچنین ارکان فیلم‌های انقلابی به‌طور کامل نابود شد. آدم‌هایی که در سینمای فاع مقدس تجربه داشتند، منزوی شدند و از معیشت هم ساقط شدند.**

**فرحبخش**: در این فاصله آنچه باعث استمرار این جریان شد، همان بنای کج خانه سینما بود که در همان جاتیلور پیدا کرد؛ یعنی ساختار خانه سینما به گونه‌ای است که در هیچ جای دنیا پیدا نمی‌کند مجموعه کارفرما و کارگری در یک ساختمان باشد و این شوخی بزرگی است.

**عبدالعلی‌زاده**: **قبل از این که خانه سینما بخواهد به وزارت کار برود، تعریفی برای شاغل مستقر در خانه سینما وجود نداشت؛ یعنی مسئولیت و اختیاراتی وجود ندارد و به معنی واقعی اصلا صنفی تشکیل نشده است.**

**فرحبخش**: این حق با زی رانیز کار وقت انجام داد. اصولاً کسانی می‌توانند در وزارت کار صنف ثبت‌کنند که کارگو و کارفرمای مشخصی داشته باشند. حقوق بگیر باشند و حداقل سه ماه بیمه بدهند. کدام یک از بچه‌های ما در سینما کارفرما دارد که بیمه‌شان را پرداخت کند؟

**عبدالعلی‌زاده**: **کار جریان نفوذ تصمیم‌سازی است و روشش این است که طوری برای مدیران تصمیم‌سازی می‌کنند که مدیر بگوید این تصمیم و رای خودم بوده است.**

**فرحبخش**: چنین موضوعی مربوط به امور داخلی وزارتخانه است و نباید اصل کار که همان نفوذ است را فراموش کنیم، من مجبورم اینجا چیزی بگویم. مرحوم حاج احمد قدیریان که معاون دادستان کل کشور بود، را ۱۰ سال پیش در مجلسی دیدیم. حاج احمد درباره رجایی که با او تماس گرفته‌ومی‌خواست از زندان اوین باز بدید کند، صحبت کرد. کشمیری موقع نماز ظهر جلو ایستاد و رجایی هم در صفوف بعد بود. کشمیری بعد از اذان و اقامه خم شد و یک خودکار دیگه کنار جانماز گذاشت و رجایی به حاج احمد غلت این‌که کشمیری خودکار را تغییر داده این بوده که نمی‌خواسته از اموال بیت‌العال استفاده کند. همین کشمیری چند روز بعد در دفتر نخست‌وزیری زیر پای رجایی بمب گذاشت. ما در تشکیلات به قدری کشمیری داریم که اصلاً به آنها شک نمی‌کنید.

**عبدالعلی‌زاده**: **اصلا معروف است که شبکه حامیان نفوذ از خود فرد نفوذی مهم‌تر است...**

**فرحبخش**: باورنمی‌کنید اگر بگویم سرآمد این نفوذی‌ها از منافقان هستند، از زندان اوین باز بدید کند، صحبت کرد. کشمیری موقع نماز ظهر جلو ایستاد و رجایی هم در صفوف بعد بود. کشمیری بعد از اذان و اقامه خم شد و یک خودکار دیگه کنار جانماز گذاشت و رجایی به حاج احمد غلت این‌که کشمیری خودکار را تغییر داده این بوده که نمی‌خواسته از اموال بیت‌العال استفاده کند. همین کشمیری چند روز بعد در دفتر نخست‌وزیری زیر پای رجایی بمب گذاشت. ما در تشکیلات به قدری کشمیری داریم که اصلاً به آنها شک نمی‌کنید.

**عبدالعلی‌زاده**: **سیدزاده**: جمع بندی تمام این مسائل می‌تواند در قالب چند پیشنهاد مهم به وزیر ارشاد جدید باشد. اولین پیشنهاد این است که باید حاکمیت نفوذ برچیده شود. دوم، کوتاه‌کردن دست باقیمانده‌ها و دنباله‌روندگان دهه ۶۰.

سوم، کاهش اعمال سلبقه‌های شخصی از حوزه فرهنگ با گرایش به قانون. آخرین موضوع این‌که

در این شرایط نایسامان فعلی اگر بحث پروانه ساخت برداشته شود، هیچ تهیه‌کننده‌ای اعتبار

و سرمایه خودش را در معرض خطر قرار نمی‌دهد.

**سیدزاده**: جمع بندی تمام این مسائل می‌تواند در قالب چند پیشنهاد مهم به وزیر ارشاد جدید باشد. اولین پیشنهاد این است که باید حاکمیت نفوذ برچیده شود. دوم، کوتاه‌کردن دست باقیمانده‌ها و دنباله‌روندگان دهه ۶۰. سوم، کاهش اعمال سلبقه‌های شخصی از حوزه فرهنگ با گرایش به قانون. آخرین موضوع این‌که در این شرایط نایسامان فعلی اگر بحث پروانه ساخت برداشته شود، هیچ تهیه‌کننده‌ای اعتبار و سرمایه خودش را در معرض خطر قرار نمی‌دهد.

**سیدزاده**: **جمع بندی تمام این مسائل می‌تواند در قالب چند پیشنهاد مهم به وزیر ارشاد جدید باشد. اولین پیشنهاد این است که باید حاکمیت نفوذ برچیده شود. دوم، کوتاه‌کردن دست باقیمانده‌ها و دنباله‌روندگان دهه ۶۰.**

سوم، کاهش اعمال سلبقه‌های شخصی از حوزه فرهنگ با گرایش به قانون. آخرین موضوع این‌که در این شرایط نایسامان فعلی اگر بحث پروانه ساخت برداشته شود، هیچ تهیه‌کننده‌ای اعتبار

و سرمایه خودش را در معرض خطر قرار نمی‌دهد.

### صحنه

### اجرای ماهی‌های قرمز دریا در کویر کرمان

مدیر هنری و سینمایی اداره‌کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمان گفت: نمایشنامه ماهی‌های قرمز دریا به نویسندگی، طراحی و کارگردانی روح... آریس با محوریت عملیات کربلای چهار در کویر کرمان به



صحنه می‌رود.

ابودر حسینی نسب با بیان این‌که در هفته دفاع مقدس برنامه‌های متنوعی تدارک دیده‌شده که یکی از آنها اجرای نمایش ماهی‌های قرمز دریاست، گفت: دیدن این نمایش که در محل‌های مختلف به صحنه می‌رود برای عموم مردم آزاد است.

وی با اشاره به این‌که نمایشنامه مذکور اثر بسیار زیبا و فاخری است که در ایام هفته

دفاع مقدس در کرمان به مرحله اجراء خواهد آمد تصریح کرد: اولین اجرای این اثر نمایشی روز گذشته در میدان ارگ انجام شد و امروز نیز در چهار راه سمیه (طهماسب‌آباد) ساعات ۱۷

و ۱۹ در مرقد شهید گمنام خیابان شهید دستغیب اجرا می‌شود.

فردا نیز این نمایش ساعت ۹ در دانشگاه پیام نور و در دو نوبت ساعات ۱۷ و ۱۹ در میدان

آزادی روی صحنه خواهد رفت.

### دیدگاه

### حمایت مجلس از یارانه توسعه کتاب خوانی

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، توجه به توسعه کتاب خوانی را جزو اولویات‌های این کمیسیون اعلام و تأکید کرد با توجه به وضعیت نامطلوب مطالعه در کشور، مجلس از برنامه‌های حمایتی دولت در این زمینه

حمایت می‌کند. احمد راستینه در گفت‌وگو با ایبنا از اصلاح طرح اصلاح قانون تاسیس

نهاد کتابخانه‌های عمومی به عنوان دیگر اولویت این کمیسیون نام برد و افزود: معتقدیم سازوکار اعتبارات و مالی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور نیازبند اصلاح شود تا زمینه‌ای

برای کمک به نهاد ایجاد گردد.

به‌گفته وی از آنجا که سرانه مطالعه به‌شدت پایین آمده، لازم است در کنار ترویج

کتاب خوانی، تسهیلات و یارانه‌هایی برای تأمین کتاب و نشریات مورد نیاز خانواده‌ها

در دستور کار قرار گیرد.

راستینه همچنین درباره اهمیت نقش دولت در ترویج فرهنگ کتاب و کتاب خوانی در

مدارس و آموزش‌های گفت: باتوجه به تغییر سبک زندگی مردم و تغییر فرهنگ از مطالعه

مکتوب به سمت مطالعه الکترونیکی، ضرورت دارد دولت برنامه خاصی برای این حوزه

تدوین کند و مجلس نیز از آن حمایت خواهد کرد.

### تجربه شکل‌گیری «جامعه ایمانی مشعر» کتاب شد

کتاب «داستان ما مردم» با موضوع تجربه‌نگاری فرایند شکل‌گیری شبکه مردمی فعالان فرهنگی و ارائه راهکارهای ایجاد و گسترش کنشگری اجتماعی با تکیه بر تجربه شکل‌گیری جامعه ایمانی مشعر منتشر شد.

مسأله اصلی این پژوهش، فرآیند شکل‌گیری جامعه ایمانی مشعر به مثابه شبکه مردمی فعالان عرصه هیأت و ثبت تجربه این مجموعه در ایجاد و گسترش کنشگری اجتماعی مخاطبان خود است.

این کتاب با پژوهش رحیم آفیروش در قطع رقی و ۳۶۰ صفحه، از سوی انتشارات باقرالعلوم علیه‌السلام چاپ شده است.

### قاب